

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در حاشیه نشست مسئولان عالی دستگناه به یکی دیگر از موضوعات مطرح شده در جلسه مسئولان عالی قضایی اشاره کرد و گفت: در خصوص پرونده‌هایی که درباره ارز یا احياناً خودرو در شهرستان‌های مختلف مطرح شده است، قبلاً دستور داده بودند که این پرونده‌ها به تهران منتقل شود تا به صورت یکجا رسیدگی گردد. این پرونده‌ها به تهران منتقل شد تا هماهنگی بیشتری صورت گیرد و امیدوار هستیم که



سرعت بیشتری در رسیدگی‌ها داشته باشیم. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در رابطه با آخرین وضعیت پرونده شهرام جزایری گفت: پرونده این فرد به تهران احاله شده و قرار است در تهران پیگیری شود. وی افزود: این موضوع از جنبه‌های مختلف مثل اقدام به خروج از کشور و چگونگی آن و همچنین بحث پرداخت رشوه و افرادی که آنجا همراه وی بوده‌اند و هویت ارتباط آنها با موضوع، نیاز به بررسی دارد. معاون اول دستگاه قضا

گفت و گوی آفتاب یزد با محمدخدادی سر کنسول اسبق ایران در پاکستان

# نکاتی مهم در مورد مردم و انتخابات پاکستان

**در پاکستان و بنا به تجربه چندین ساله ای که من دارم، رفاقت در عین رقابت حاکم است یعنی رقابت‌ها اگرچه بسیار تنگاتنگ و شدید است اما پس از انتخابات، رفاقت جای خود، رقابت هم جای خود. مثلاً زمانی پرویز مشرف روی کار آمد، نواز شریف در تبعید به سر می‌برد اما در مجلس می‌نشستند و روال عادی طی می‌شد. به زبان ساده: نوعی توسعه یافتگی و تحمل همدیگر در جامعه سیاسی پاکستان دیده و لمس می‌شود**

فهمید که چرا با وجودی که پرویز مشرف با کودتا بر سر کار آمده بود، سفیر منصوب نواز شریف در تهران را ۶ سال حفظ کرد؟! به این می‌گویند حاکم‌بون نظام کرپور، یعنی قائم مقام وزیر نفت حتی با تغییر وزیر نفت هم عوض نمی‌شود.

**۱-ایران در انتخابات عراق یک مسئله بود**بدین معنا که برای احزاب و گروه‌های سیاسی درگیر در انتخابات مهم بود که برنده ی انتخابات چه رفتاری با ایران خواهد داشت یا نوع تعاملات با جمهوری اسلامی.ایران بگونه باید باشد. آیا در انتخابات پاکستان نیز شرایط به همین گونه بود؟ یعنی آیا دغدغه‌ای به نام ایران در این انتخابات نمود داشت؟

جایگاه ایران در پاکستان، با تمامی کشورها فرق می‌کند. یعنی به دلیل سابقه تمدنی و فرهنگی، جایگاه ایران در پاکستان یک جایگاه خاص است پس به طور طبیعی، هر حزب و دسته و گروه و شخصی که در پاکستان به قدرت برسد، علاقه مند به رابطه با ایران خواهد بود یعنی نمی‌تواند که نباشد چون افکار عمومی و زیرساخت‌های فکری چنین اجازه ای را صادر نخواهد کرد. پس وقتی سلفاده یک حزب در پاکستان است، خانواده‌های سیاسی دیگری نمی‌تواند یک دغدغه و یک معما و یک علامت سؤال باشد اثبات این موضوع لطفی ندارد کسی هم در پی نفی این رابطه و این سابقه نیست پس اتوماتیک وار ایران یک موضوع پذیرفته شده است و جایی برای بحث‌های بیشتر وجود نخواهد داشت. به همین دلیل بود که ائتلاف عربستان در موضوع یمن با وجود همه ی ادعاهایی که مبنی بر کمک‌های بسیار زیاد وجود دارد، نتوانست پاکستان را با خود همراه کند.

شاید جالب توجه باشد که بدائین نام بسیاری از استان‌های ما، نام خانواده‌های بزرگ در پاکستان است؛ خانواده شیرازی، سبزواری، گیلانی و… سرد ملو پاکستان به زبان فارسی است. بحث ایران و پاکستان یک بحث استراتژیک است اما متأسفانه جمهوری اسلامی‌ایران نتوانسته است از این ظرفیت به خوبی استفاده کند. وقتی در یک نظر سنجی مشخص می‌شود که پاکستانی‌ها در بدین همه کشورهای دنیا بیشترین علاقه را به خرید کالاهایی با ذکر نام ساخت ایران دارند. به خودی خود باید به نوع رابطه ایران و پاکستان بی برد اما چه می‌شود کرد که نگاه ایران به پاکستان یک نگاه واقع بیانه نیست و این حکایت از عدم شناخت دارد یعنی ما اصلاً پاکستان را درست نشناخته‌ایم چه رسد به این که ازاین ظرفیت عظیم و بازار ۱۶۰ میلیونی استفاده کنیم .

**۲- پاکستان کشوری اتمی است پس همچنان باید پذیرفت که این کشور تحت تأثیر قدرت نظامی‌آاره شود؛ آیا این کشور همچنان تحت تأثیر چهره‌های نظامی‌وار تش است؟** به این مسئله باید به دو دید نگریست؛ نخست این که پاکستان به دلیل مسائلی که پیرامونش وجود دارد و نیز مسائلی که ریشه‌های تاریخی دارد مجبور است که از تشنی قوی و تأثیرگذار داشته باشد و بی تفاوت نیست. کامل تر اگر بگوییم تأثیر ارتش در پاکستان از بسیاری از کشورها بیشتر است. مضافاً این که مردم پاکستان خاطره ی خیلی بدی از حکومت نظامی‌ها در این کشور ندارند. وقتی مااز بحران ثبات‌سخن می‌گوییم باید بپذیریم که وقتی تش می‌آید به خودی خود ثبات بیشتری بر کشور حکمفرما خواهد شد. البته این که بگوییم مردم از تش خاطره ی بد ندارند صحیح نیست، درست تر این است که ذهن مردم پاکستان نسبت به ارتش، سیاه سیاه نیست یعنی اگر خاطره بد دارند، خاطره خوب هم دارند.

**۳- پاکستان درگیر سه مسئله مهم است؛ مشاجرات مرزی با هندوستان، مسائل مرزی و تروریسم که به مرزهای مشترک پاکستان و افغانستان مربوط است و بحث‌های اجتماعی، چون پاکستان به شدت درگیر مسائل قوی ـقبیله ای استـ. به نظر شما اولویت برای عمران خان کدام یک از این مسائل است؟**

پاسخ صحیح این است که اولویت بندی آن هم بر سر مسائلی که بسیار مهم است نمی‌تواند درست باشد یعنی این سه معضل باید با هم پیش برده شود. نمی‌توان در دنیای امروز وارد حکمرانی بر یک کشور شد و گفت من تنها و تنها یک مؤلفه برآیم مهم است زیرا مسائل بر هم تأثیر خواهند گذاشت.

تروریسم هم مسائل اقتصادی را تحت الشعاع قرار خواهد داد هم مسائل اجتماعی. اقتصاد رفاه مردم را زیر سؤال می‌برد وقتی مسائل رفاهی زیر سؤال رفت بالطبع مردم ضعیف می‌شوند و ضعیف شدن مردم مساوی است با گسترش فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و سوءاستفاده از مردم فقیر برای عملیات انتحاری و … پس می‌بینیم اگر قصد رسیدگی وجود داشته باشد، باید تاملان باشد.

به نظر من مهم ترین مسائل پاکستان در دو نکته خلاصه می‌شود؛ نخست بحث فساد و دیگری بحث حفظ ثبات سیاسی است که پاکستان از این دو ناحیه به شدت ضربه خورده است و برای عمران خان هم قطعاً این دو مسئله اولویت خواهد بود. البته به طور طبیعی به دیگر مسائل هم نگاه ویژه ای خواهد داشت.



می‌نشستند و روال عادی طی می‌شد. به زبان ساده: نوعی توسعه یافتگی و تحمل همدیگر در جامعه ی سیاسی پاکستان دیده و لمس می‌شود.زمانی که پرویز مشرف در رأس بود و بی نظیر بوتو هم زنده بود، روزنامه‌ها دیدار نواز و بوتو را تیتیر می‌کردند و حکایت از فساد و دیگر ی ناکارآمدی؛ مردم قبلاً کمتر می‌دانستند اما این می‌کند که اگرچه رقابت می‌کنند اما رفاقت‌ها هم حفظ می‌شود از این زاویه اگر بنگریم عمران خان نباید مشکل‌چندانی از این زاویه داشته باشداز این‌ها مهم تر دو میحث تأثیرگذار است؛ یکی فساد و دیگری ناکارآمدی؛ مردم قبلاً کمتر می‌دانستند اما این روزها بهتر و بیشتر می‌دانند پس نتیجه می‌گیریم که مردم را نمی‌توان به صورت سنتی اداره کرد. اصلا به همین دلیل است که

در حزب مطرح در پاکستان برابر جریان سوم شکست می‌خورند و این نشان از تغییر دیدگاه دارد. شرایطی که امروز پاکستان تجربه می‌کند در هند هم رخ داده است یعنی دو حزب کنگره و بهاراجاتا ناگهان جای خود را به حزب جاناتادل داد و این یعنی شرایط به طور کلی عوض شد. البته این اتفاق بیست سال قبل رخ داده اما منظورم این است که نظیر اتفاق این روزهای پاکستان مسبوق به سابقه است آن هم در زمانی که امکانات امروزی نبود. شرایط اگرچه عوض شده اما پاکستان هم با بحران‌های بزرگی رو در رو است و شاید بتوان اینگونه ادعا کرد که بزرگترین بحران پیش روی حاکمان پاکستان، بحران بی‌ثباتی است. این بحران بی ثباتی از بعد از زمان مشرف شروع شده و تقریباً می‌توان گفت که پاکستان روی آرامش و ثبات را ندیده است.

**۴- به عنوان کسی که در جغرافیای پاکستان حضور داشته، مشخصه‌های بارزی که پاکستان را از دیگر کشورهای اطراف ایران متمایز می‌کند، چیست؟** مهم ترین مشخصه ای که من از پاکستانی‌ها سراغ دارم این است که مردم این کشور، مرمی‌کاملاً علاقه مند به تحولات سیاسی هستند و به این گونه تحولات بیگانه نیستند گواه این مسئله هم این است که نرخ تولید و خرید روزانه در پاکستان در مقایسه با ایران بسیار بالا است و اساساً قابل مقایسه نیست. یعنی این مسئله را نمی‌توان در کشورهای نظیر عراق و افغانستان و کشورهای حاشیه ی خلیج فارس دید. این مسئله را در کشورهای آسیای میانه نیز نمی‌تواند دید و اصلاً قابل مقایسه نیست.

نکته ی دیگر این که نظام حزبی در پاکستان یک نظام نهادینه شده است. در پاکستان این احزاب هستند که حکومت می‌کنند و این خیلی نکته متمایز کننده و مهمی است. حزب سازماندهی دارد، کار می‌کند و پاس‌سختگو است. همین مسئله باعث می‌شود مسئولیت پذیری مستقیم تر دنبال شود. به تعبیری ساده، یک سازمان سیاسی عهده دار حکومت می‌شود و نه یک فرد.

**۵- می‌توان چنین تعبیری هم به کار برد که سواد سیاسی مردم پاکستان بالاتر است؟** وقتی پاکستانی‌ها نسبت به شرایط مثلاً ایران و عربستان کاملاً توجه بلدند یعنی منطقه را به درستی می‌شناسند و این ناشی از آن است که سواد سیاسی بالایی دارند. مردم پاکستان از این لحاظ مردم چشم و گوش بسته ای نیستند که می‌تواند مرتبط با این مسئله باشد که زبان انگلیسی در پاکستان، حضوری جدی دارد و به عنوان زبان دوم کاربرد دارد و همین امر کمک می‌کند تا به منابع جزری اصلی دسترسی مستقیم داشته باشند. البته فراموش نکنیم با ملتی رو در رو هستیم که علاقه مند به خواندن هستند نه فقط روزنامه که تمایل به مطالعه در پاکستان کم نیست.

شاید تعجب کنید اما با آن که نرخ باسواد ی در این کشور پایین است اما ساختار سیاسی و فکری حاکم بر جامعه پاکستان حکایت از آن دارد که بیگانه با مسائل و تحولات روز منطقه و جهان نیستند. پس نتیجه می‌گیریم کشوری که هم ساختارهای سیاسی و حزبی منسجمی دارد و هم مردمی که آگاهی‌های سیاسی بالایی دارند، از لحاظ سیاسی، کشوری رو به رشد و رو به ترقی است. این دو مسئله کمک می‌کند تا مشارکت‌های بیشتری شاهد باشیم. از مجموع گفته‌ها می‌رسیم به یک ساختار بروکراتیک. این کشور ساختار بروکراتیک قوی دارد یعنی با عوض شدن وزراء، قائم مقام‌ها سر جای خودشان می‌مانند و این گونه نیست که همه ی لایه‌ها دستخوش تغییر شود. با این آگاهی مقدماتی راحت تر می‌توان

**۶- در انتخابات پارلمانی در پاکستان، آن اتفاقی که مهم است این استست که یک حزب مهم و ریشه‌دار شکست می‌خورد به نام «مسلم لیگ» و حزبی دیگر برنده می‌شود به نام «تحریک انصاف». مسلم لیگ نخست مدعی تقلب در انتخابات می‌شود اما پس از مدت کوتاهی، نتیجه انتخابات و پیروزی عمران خان را می‌پذیرد. این مسئله نوعی خوش شانس ی برای عمران خان به شمار می‌آید یا می‌تواند زمینه ساز رخداد‌های بعدی باشد؟**

در پاکستان و بنا به تجربه چندین ساله ای که من دارم، رفاقت در عین رقابت حاکم است یعنی رقابت‌ها اگرچه بسیار تنگاتنگ و شدید است اما پس از انتخابات، رفاقت جای خود رقابت هم جای خود. مثلاً زمانی پرویز مشرف روی کار آمد، نواز شریف در تبعید به سر می‌برد اما در مجلس پاکستان نماینده داشت و با هم

آفتاب یزد – رضا بردستانی: عمران خان اولین و آخرین چهره ی ورزشی نیست که پس از پایان دوران قهرمانی، وارد دنیای سیاست و فعالیت‌های سیاسی – اجتماعی می‌شود؛ رسول خادم‌های‌ساعی (ایران)، زرزوه آ (فوتبالیست‌اهل لیبریا)، وینالی کلیچکو(مشتن‌زن اهل اوکراین)، بله (فوتبالیست برزیلی)، آر نولد شورواتزنگر (بدنساز آمریکائی)، مانی پاکیاتو (بوکسور حرفه‌ای فیلیپین)، کن درابین(اهل کانادا و دروازه‌بان سابق‌هاکی)، روماریو (برزیل)، بیل بردلی (قهرمان المپیک و دو بار قهرمان لیگ بسکتبال حرفه‌ای آمریکا)، سباستین کو(ستاره بریتانیایی سابق دو‌های نیمه استقامت و برنده دو مدال طلای المپیک) و از همه شاید قدیمی تر؛ جرالد فورد که پس از کناره‌گیری ریچارد نیکسون به عنوان سی‌وهشتمین رئیس‌جمهور آمریکا سوگند یاد کرد. فورد پیش از ورود به سیاست، در فاصله سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ به عنوان یک بازیکن فوتبال موفق در دانشگاه میشیگان خوش درخشیده بود.) و شاید چهره‌هایی دیگر همچون دو قهرمان اسطوره ای شطرنج یعنی کاریف و گااسیراف. این‌ها از دنیای قهرمانی قدم در دنیای سیاست گذاشته‌اند و اما عمران خان پاکستانی به ظن اکثر تحلیل گران مسائل سیاسی، یک چهره ورزشی بای در دنیای سیاست گذاشته که بازی قدرت در پاکستان را دستخوش تغییراتی قابل تأمل کرده‌است.

در دو سوی ایران اسلامی، کشورهایی نظیر عراق، ترکیه و حلالا پاکستان، طی ماه‌های اخیر انتخابات برگزار کرده اند و نکته قابل توجه و تأمل این که در هر سه کشور، آن چه زودتر از نتیجه انتخابات رسناست ای شد؛ شائبه تقلب در انتخابات بود. ورزشی بودن سبقیه ی عمران خان، برخی شباهت‌های انتخاباتی بین پاکستان، ترکیه و عراق، تحولات حال و آینده ی پاکستان به ویژه در حوزه ی سیاست خارجه و بسیاری مسائل دیگر را در گفت و شنودی با دکتر محمدخدادی که هم چهره ای رسانه ای است و هم شخصیتی دیپلماتیک، به بحث و تبادل نظر گذارده ایم. آن چه در پی می‌آید، حاصل این گفت و گو است.

**۱- آیا شخصیتی نظیر عمران خان که سبقه ای ورزشی دارد تاکنون در تاریخ سیاسی پاکستان وجود داشته است که بعد از دوران ورزشی قدم در عرصه ی سیاست بگذارد؟** این که خواست‌هایش شخصیتی نظیر عمران خان باشیم، تا آن جایی که من می‌دانم، به نتیجه ای ختم نخواهد شد یعنی عمران خان – تقریباً اولین چهره ی ورزشی است که وارد دنیای سیاست شده و اما فراموش نکنیم امروز هم شیبه هوز ریچ دیگری نیست؛ ظهور تا حدی همانقدر عجیب است که ورود عمران خان کریکت باز به دنیای سیاست؛ اما به دنبال ریشه اگر باشیم، دو مسئله از همه ی دیگر مسائل بیشتر خودنمایی می‌کند و آن انقلاب و انفجار اطلاعات و به تبع آن دسترسی به اطلاعات که تحول اساسی در دیدگاه‌ها ایجاد کرده است. اشتراک وسیع و سریع اطلاعات باعث می‌شود تا امید به تغییر در همه ی دنیا وجود داشته باشد. در همین ایران خودمان هم کسی پیش بینی نمی‌کرد روحانی در سال ۹۲ به عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شود. به ریاست جمهوری رسیدن روحانی نیز حاصل همان اشتراک وسیع و سریع اطلاعات بود، پس این مسئله ی عجیبی وجود داشته باشد؛ حضور این چهره و آن شخصیت در دنیای سیاست نیست، آن چه از این حضور و ظهورها عجیب‌تر است؛ سرعت پیشرفت اطلاع رسانی در جهان و نقش، سهم و شراکت غیر قابل پیش بینی مردم برای تعیین سرنوشت است که بسیاری از معادلات را بهم ریخته است.

**۲- چهره‌هایی نظیر روحانی، یک‌شبه‌وار دسیاست‌نشه‌اند، بالاخره عقبه ای در عرصه ی سیاست داشته‌اند. بیشتر منظورمان ظهور یک قهرمان ملی بسود که در تاریخ پاکستان نظیر داشته با خبری؟**

البته عمران خان سال‌ها است در عرصه ی سیاسی پاکستان حضور دارد، حزب دارد و سخنرانی‌های بسیاری انجام داده است، این گونه هم نیست که یک راست از زمین کریکت بیاید و روی صندلی سیاست ورزی بنشینند. عمران خان، اگرچه قهرمان کریکت در دهه نود بوده است اما سال‌های متمادی، مشغول فعالیت‌های اجتماعی و حتی عام المنفعه است. اگر اشتباه نکنم عمران خان که به عنوان نامزد حزب اپوزیسیون جنبشی برای عدالت وارد انتخابات پاکستان شد و اینک ۶۵ سال دارد در فاصله سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۲ کاپیتانی تیم کریکت پاکستان را بر عهده داشت و همراه با این تیم در سال ۱۹۹۲ قهرمان مسابقات جهانی کریکت شد. پس به نوعی می‌توان گفت عمران خان نیز دورانی را صرف آموختن زیر و بم سیاست کرده و با لایه‌های

**شرایطی که امروز پاکستان تجربه**

**می‌کند در هند هم رخ داده است یعنی دو حزب کنگره و بهاراجاتا ناگهان جای خود را به حزب جاناتادال داد و این یعنی شرایط به طور کلی عوض شد. البته این اتفاق بیست سال قبل رخ داده اما منظورم این است که نظیر اتفاق این روزهای پاکستان مسبوق به سابقه است آن هم در زمانی که امکانات امروزی نبود**

تولید محتوای سیاسی

اگر جای رئیس کل جدید بانک مرکزی بودم در اولین قدم استفاده از نام احمده مصوحیون را برای موسسات مالی و اعتباری در آینده منوع کرده و موسسات موجود را ملزم به تغییر نام می‌کردم

شهنبدخت مولاردی • شهنبدخت مولاردی

اگر جای رئیس کل جدید بانک مرکزی بودم در اولین قدم استفاده از نام احمده مصوحیون را برای موسسات مالی و اعتباری در آینده منوع کرده و موسسات موجود را ملزم به تغییر نام می‌کردم

حسام‌الدین آشنا-مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور

ابراهیم رئیسی –تولیت آستان قدس رضوی